



## درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲ اسفند ۱۴۰۰

مصادف با: ۱۹ رجب ۱۴۴۳

موضوع جزئی: عقد نکاح - اقسام نکاح - بررسی مشروعیت نکاح منقطع - ادله مشروعیت - دلیل اول: آیه ۲۴ سوره نساء

دسته دوم اشکالات: نسخ - نسخ آیه به روایات پیامبر(ص)

جلسه: ۸۴

سال چهارم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه متعه و کیفیت استدلال به این آیه برای مشروعیت نکاح منقطع بود. تقریب استدلال ذکر شد؛ اشکالاتی که به این آیه مطرح شده، دو دسته بود؛ دسته دوم درباره نسخ بود. هفت آیه ذکر شد که برخی ادعا کرده‌اند اینها نسخ آیه متعه محسوب می‌شوند. ما به همه اینها پاسخ دادیم و شواهدی هم بر عدم نسخ به طور کلی اقامه کردیم.

### نسخ آیه با سنت

برخی هم ادعا کرده‌اند که آیه متعه به واسطه سنت نسخ شده است. تا اینجا درباره نسخ آیه متعه به قرآن بحث می‌کردیم که مورد خدشه قرار گرفت. اما یک عده‌ای معتقدند آیه متعه به وسیله سنت پیامبر(ص) و روایاتی که از پیامبر(ص) وارد شده، نسخ شده است. برای اینکه این ادعا فی الجمله تبیین شود، لازم است برخی از روایاتی که به آنها استناد شده را نقل کنیم و بعد ببینیم که آیا می‌توانیم به این روایات پاسخ دهیم یا نه.

اصل نسخ آیه متعه به وسیله سنت، امری است که فی الجمله برخی از عالمان اهل سنت به آن ملتزم شده‌اند؛ لکن در اینکه این نسخ چگونه و کجا صورت گرفته، بین خود آنها اختلاف است. یعنی علما و فقهای اهل سنت و محدثین آنها به طور جدی در مکان و زمان وقوع نسخ اختلاف دارند. شش یا هفت موضع در این رابطه ذکر کرده‌اند؛ در عبارت ابن حجر آمده «فتحصل مما اشار إلیه ستة مواطن، خیبر ثم عمرة القضاء، ثم الفتح، ثم أوطاس، ثم تبوک، ثم حجة الوداع» و البته در برخی روایات «حنین» هم ذکر شده است. یعنی بین شش یا هفت موضع ذکر شده که پیامبر(ص) در آن مواضع از نکاح متعه نهی کرده و اینها مدعی هستند که نهی پیامبر(ص) نسخ آیه متعه محسوب می‌شود. حالا اصل این روایات را باید مرور کنیم و ببینیم مدعا چیست.

البته این نکته هم ناگفته نماند که نسخ متعه به سنت، به دو صورت می‌تواند مطرح شود؛ یک وقت می‌گویند نسخ حکم متعه به وسیله پیامبر(ص) صورت گرفته، یک وقت می‌گویند نسخ آیه متعه به وسیله پیامبر(ص) واقع شده، این از دو زاویه می‌تواند مطرح شود. ما از این زاویه که سنت پیامبر(ص) و روایات پیامبر(ص) در مقام نسخ قرآن و آیه متعه مطرح می‌شوند، به این موضوع رسیدگی می‌کنیم؛ و آن منظر و زاویه دیگر یا آن قول دیگر که مدعی نسخ حکم متعه و حلیت متعه به وسیله روایات است، آن مطلب دیگری است.

۱. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۱۶۵.

استاد: در اینجا ثمره‌اش ظاهر می‌شود؛ بله، شما می‌گویید نسخ حکم بالملازمه نسخ آیه هم هست ... مسأله این است که آیا اساساً امکان نسخ قرآن به وسیله سنت هست یا نه. اگر ادعای اول مطرح شود، این خودش باید کبرویاً ثابت شود که امکان نسخ قرآن به سنت هست یا نه. اما اگر ادعای دوم باشد، می‌گوید ما کاری نداریم که آیه نسخ نشده یا اگر شده مثلاً به وسیله آیات دیگر شده، اما پیامبر(ص) هم روایاتی دارد که این حکم را از میان برداشته و حلیت را نفی کرده است؛ حالا اینکه حلیت از کجا بوده، اینها ممکن است بگویند حلیت متعه اساساً از آن آیه مستفاد نبوده، من این جهات را توضیح دادم تا دقیقاً معلوم شود که ما که این روایات پیامبر(ص) را نقل می‌کنیم، از این زاویه می‌گوییم که برخی این روایات را نسخ آیه متعه می‌دانند و الا همین روایات از منظر دیگری می‌تواند نسخ حکم یا به تعبیر دیگر تغییر حکم تلقی کنند و آن را به عنوان اینکه نکاح متعه تحریم شده، مورد استناد قرار دهند. ... ادعای ما الان چیست و چه چیزی را می‌خواهیم رد کنیم؟ ... الان این ادعا که آیه متعه به وسیله سنت نسخ شده مطرح است.

به هر حال می‌گویند سنت پیامبر(ص) یعنی روایاتی که از پیامبر(ص) در این رابطه وارد شده در چند موضع، فی‌الجمله نسخ آیه متعه است. اینکه می‌گویم چند روایت است، نه اینکه همه فقیهان به همه این روایات ملتزم شده باشند؛ بلکه فی‌الجمله این روایات را نسخ می‌دانند و الا بعضی از اینها تصریح می‌کنند که مثلاً فلان روایت صحیح و فلان روایت غلط است؛ پیامبر(ص) در حنین این را فرموده یا در عمره القضاء این را فرموده است. گفتیم بین اینها اختلاف است، فقط روایاتی که ذکر شده را مرور می‌کنم تا بعد از شاء الله آنها را بررسی کنیم.

### روایت اول

اولین موردی که نقل شده، روایتی است از پیامبر(ص) که ایشان از نکاح متعه در روز فتح خیبر نهی کرده است؛ این روایت هم در صحیح بخاری و هم در صحیح مسلم نقل شده است: «عن ابن شهاب عن عبدالله والحسن ابني محمد بن علي عن ابيهما عن علي بن ابي طالب أن رسول الله (ص) نهى عن متعة النساء يوم خيبر و عن أكل الحمر الاهلية». <sup>۱</sup> از علی بن ابیطالب(ع) نقل می‌کند که رسول خدا(ص) در روز خیبر از دو چیز نهی کرد؛ یکی از متعه النساء و یکی هم از خوردن گوشت حمار اهلی. حالا بحث‌های سندی اینها و اینکه این روایات مورد قبول همگان واقع شده یا نه، این بماند. چون بعضی از خود عالمان اهل سنت هم این را نپذیرفته‌اند؛ خود ابن حجر بعد از اینکه این روایت را نقل کرده، آن را رد می‌کند و می‌گوید این روایت صحیح نیست و اساساً نهی از نکاح متعه در فتح خیبر واقع نشده است. حالا ما وارد اختلافاتی که در مورد این روایات هست، نمی‌شویم.

### روایت دوم

دومین مورد، نهی از نکاح متعه در عمره القضاء است. فتح خیبر در سال هفتم هجری بود؛ در عمره القضاء هم که در سال هفتم واقع شده، نهی شده است. حسن بصری روایتی را از پیامبر(ص) نقل کرده که در عمره القضاء از نکاح متعه نهی کرده است.

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۷۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۴.

می‌گوید: «ما حلت المتعة قطّ الا ثلاثاً فی عمرة القضاء ما حلت قبلها و لا بعدها»<sup>۱</sup> می‌گوید نکاح متعه تنها در سه روز، آن هم در عمرة القضاء حلال شد؛ نه قبلش حلال بود و نه بعدش حلال بود. اینکه گفتیم نسخ حکم، ولی اینها می‌گویند اصلاً آیه دلالت ندارد؛ می‌خواهد بگوید اصلاً هیچ وقت نکاح متعه حلال نبوده، فقط در عمرة القضاء و آن هم به مدت سه روز. حالا مثلاً به خاطر اضطراری که پیش آمده، پیامبر(ص) این را حلال کرده و بعد منع کرده است. این معلوم است که نسخ آیه قرآن را مطرح نمی‌کند؛ این نسخ حکم است. اما می‌خواهم عرض کنم نهی‌های پیامبر(ص) که نقل شده، بالاخره از دو منظر و از دو زاویه است.

همین هم مثلاً مورد اشکال قرار گرفته است. بعضی‌ها گفته‌اند هیچ روایتی معتبر بر اینکه مثلاً در عمرة القضاء این اتفاق افتاده نداریم؛ بعضی از اینها مخالفت کرده‌اند.

### روایت سوم

سومین مورد در روز فتح مکه است که در سال هشتم هجری واقع شده است. پیامبر(ص) براساس نقل برخی از محدثین اهل سنت، در روز فتح مکه از نکاح متعه نهی فرمودند و البته شاید این قول در بین عالمان اهل سنت مشهورتر از سایر اقوال هم باشد. روایتی که اینجا نقل شده این است: «حدثنا عتيبة بن سعيد حدثنا ليث عن الربيع ابن سبرة الجهني عن ابيه سبرة أنه قال اذن لنا رسول الله(ص) بالمتعة فانطلقت أنا و رجل الى امرأة من بنى عامر كأنها بكرة عيطاء فعرضنا عليها انفسنا فقالت ما تعطى فقلت ردائي فقال صاحبى ردائي و كان رداء صاحبى اجود من ردائي و كنت اشب منه فاذا نظرت الى رداء صاحبى اعجبها و إذا نظرت إلى اعجبتها، ثم قالت أنت و ردائك يكفيني فمكثت معها ثلاثاً ثم إن رسول الله(ص) قال من كان عنده شيء من هذه النساء التي يتمتع فليخل سبيلها»<sup>۲</sup> در همان روز فتح مکه رسول خدا(ص) به ما اذن متعه داد؛ بعد من و یک مردی مواجه شدیم با زنی از بنی عامر که کأن یک تشبیهی می‌کند و بعد توضیحاتی دارد؛ بعد می‌گوید من با آن زن به مدت سه روز بودم، رسول خدا(ص) بعد از سه روز فرمود هر یک از شما که چیزی از زنان نزد اوست و از او تمتع می‌برد، پس آنها را رها کنند. یعنی امر کرد به رها کردن زنان و آماده شدن برای بازگشت به مدینه.

می‌گویند این روایت دلالت می‌کند بر تحریم متعه؛ این هم مورد اختلاف واقع شده، هم از نظر راوی و هم از نظر مضمون روایت و دلالت آن بر حرمت؛ که اگر ما بخواهیم وارد تک‌تک این روایات شویم - چه به جهت سند و چه به حسب دلالت - ما را از مسیر بحث خارج می‌کند. اجمالاً این روایت هم مورد استناد عده‌ای قرار گرفته است.

اینها را بر حسب ترتیب زمانی گفتیم؛ اولی که گفتیم در سال هفتم بود؛ دومی هم در سال هفتم بود منتهی فتح خیبر در محرم سال هفتم بود و عمرة القضاء در ذی‌القعدة سال هفتم؛ فتح مکه در رمضان سال هشتم بوده است.

### روایت چهارم

مورد بعدی نهی از متعه در جنگ حنین است که در شوال سال هشتم هجری واقع شده است؛ اینها همه به ترتیب زمانی ذکر شده‌اند. آنجا هم نهی پیامبر(ص) نقل شده که «اخبارهما أن علی بن ابیطالب(ع) قال نهی رسول الله(ص) یوم خیبر عن متعة

۱. المصنف، ج ۷، ص ۵۰۷.

۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۶.

النساء قال ابن المثنى يوم الحنين و قال هكذا حدثنا عبدالوهاب من كتابه»<sup>۱</sup> از قول علی بن ایطالب (ع) نقل می‌کند که علی بن ایطالب (ع) گفت پیامبر (ص) از متعه النساء در روز خیبر نهی کرد اما ابن مثنی می‌گوید از متعه النساء در روز حنین نهی کرده است.

#### روایت پنجم

مورد پنجم در غزوه اوطاس است که البته از نظر زمانی در سال هشتم هجری واقع شده است، منتهی این غزوه بعد از جنگ حنین است و در حقیقت با بازماندگان جنگ حنین صورت گرفته که به طائف گریخته بودند؛ نقل شده که آنجا پیامبر (ص) نهی کرده‌اند. روایت در صحیح مسلم آمده است: «حدثنا يونس بن محمد حدثنا عبدالواحد ابن زياد حدثنا ابوعميس عن اياس ابن سلمه عن ابيه قال رخص رسول الله (ص) عام اوطاس في المتعة ثلاثاً ثم نهى عنها»<sup>۲</sup> می‌گوید پیامبر (ص) در سال اوطاس اجازه داد در متعه به مدت سه روز، سپس از آن نهی کرد.

#### روایت ششم

یک روایت هم نقل شده که پیامبر (ص) در جنگ تبوک این کار را کرده‌اند؛ جنگ تبوک در رجب سال نهم هجری واقع شده است. آنجا هم نقل شده که پیامبر (ص) نهی کردند. حالا خود اینکه پیامبر (ص) در غزوه تبوک نهی کرده‌اند به چند طریق نقل شده است، هم صاحبان سنن و سیر آن را نقل کرده‌اند و هم برخی از فقهای آنها ناقل بوده‌اند. می‌گوید «اسحاق بن راشد عن الزهري عن عبدالله بن محمد وحده عن ابيه عن علي (ع) قال نهى رسول الله في غزوة تبوك عن المتعة»<sup>۳</sup> پیامبر (ص) از متعه در غزوه تبوک نهی کرد.

#### روایت هفتم

آخرین موردی که نقل کرده‌اند پیامبر (ص) از نکاح متعه نهی کرده، در حجة الوداع است، یعنی در سال دهم هجری؛ روایت هم نسبتاً طولانی است، این روایت در سنن ابن ماجه، سنن دارمی و مسند احمد بن حنبل هم ذکر شده است: «خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجة الوداع فقالوا يا رسول الله إن الغزبة قد اشتدت علينا قال فاستمتعوا من هذه النساء فأتيناهن فأبين أن ينكحنا إلا أن نجعل بيننا وبينهن أجلاً فذكروا ذلك للنبي صلى الله عليه وسلم فقال اجعلوا بينكم وبينهن أجلاً فخرجت أنا وابن عم لي معاً بردٌ ومعى بردٌ وبردٌ أجودٌ من بردى وأنا أشبُّ منه فأتينا على امرأةٍ فقالت بردٌ كبرِدٍ فتزوّجتها فمكثت عندها تلك الليلة ثم غدوتُ ورسولُ الله صلى الله عليه وسلم قائمٌ بين الركنِ والبابِ وهو يقولُ أيُّها الناسُ إني قد كنتُ أذنتُ لكم في الاستمتاعِ ألا وإنَّ اللهَ قد حرَّمها إلي يومِ القيامةِ فمن كانَ عندهُ منهنَّ شيءٌ فليُخلِ سبيلها ولا تأخذوا ممَّا آتيتموهنَّ شيئاً»<sup>۴</sup> ملاحظه فرمودید تقریباً نظیر همین تعابیر، یعنی اینکه دو نفر مواجه شدند با کسی، هر دو مثلاً رداء و بردی داشتند، یکی جوان تر بود؛ بعد او جوان تر را انتخاب کرد و بعد هم یک مکئی با او صورت گرفت و بعد هم رسول خدا (ص) دستور به رها کردن آنها دادند. منتهی این در مورد حجة الوداع است.

۱. سنن نسائی، ج ۱۱، ص ۹۳.

۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱.

۳. العلل، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۱؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۱۴۰.

پس تقریباً هفت قول در اینجا بیان شده که رسول گرامی اسلام(ص) نهی کرده از متعه بعد از آنکه حالا یا برای همان مدت کوتاه تحلیل کرده بود، یا اینکه از قبل حلال بوده و رسول خدا(ص) آن را نهی کرده، از این روایت و از این قول پیامبر(ص) می‌خواهند نتیجه بگیرند که آیه متعه به وسیله پیامبر(ص) نسخ شده است. حالا باید ببینیم آیا این درست است یا نه.

«والحمد لله رب العالمین»